

سرمقاله

میکانیزم

الکترونیکی سازی انتخابات

حفیظ الله زکی

برگزاری انتخابات شفاف، عادلانه و عاری از تقلب یکی از خواست های شهروندان افغانستان و از انتظارات جامعه جهانی به شمار می رود. این مسأله بارها از سوی مقامات کشورهای کمک کننده برای افغانستان تصریح شده است. روز گذشته معاون نماینده سرمنشی سازمان ملل متحد در دیدار با معاون دوم ریاست جمهوری بار دگر تأکید کرد که جامعه بین المللی انتظار دارند که پروسه انتخابات پیش رو، طوری مدیریت شود که برای مردم افغانستان و جامعه بین المللی فضاغت بخش باشد. معاون دوم رییس جمهور نیز گفته است که انتخابات الکترونیکی، مناسبترین راه برای تسریع روند انتخابات و شفافیت آن پروسه است.

پیشرفت تکنولوژی و توسعه وسایل و ابزارهای الکترونیکی تحول چشمگیری در کارکرد مراکز، سازمان های دولتی و خصوصی به وجود آورده است. فراگیری کاربرد سیستم های الکترونیکی در جهان سبب گردیده که اصطلاح دولت الکترونیکی به فرهنگ سیاسی کشورها اضافه گردد. تجربه نشان داده که با الکترونیکی شدن سازمان ها، تغییرات اساسی در روند کاری آنها ایجاد شده و بسیاری از چالش ها و موانع از مسیر کارهای اداری برداشته می شود.

در افغانستان نیز بحث الکترونیکی سازی برخی ادارات مورد توجه قرار گرفته و بر اهمیت آن از سوی مقامات دولتی تأکید می شود. یکی از مواردی که اهمیت بحث الکترونیکی شدن را افزایش می دهد، استفاده از ابزارهای الکترونیکی در انتخابات آینده است. این مهم بدون ارتباط با جنگال ها و رسوایی های انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳ نیست. تمام میکانیزم های اصلی که در قوانین انتخاباتی، ساختار کمیسیون ها و کارکردهای آنها صورت می گیرد، به هدف کمک به شفافیت انتخابات و جلوگیری از جعل و تقلب در این پروسه ملی است. آنچه در انتخابات از اهمیت برخوردار می باشد، یکی مسأله امنیت انتخابات است و دوم هزینه های انتخابات می باشد. در انتخابات الکترونیکی اگرچه هزینه های انسانی کم می شود؛ اما به نظر نمی رسد که هزینه کلی انتخابات کاهش پیدا کند، ولی امنیت آن با توجه به تمام پیش نیازهای آن می تواند قابل توجه می باشد.

انتخابات الکترونیکی درعین حالی که از مزایای چون صرفه جویی در وقت، کاهش هزینه های انسانی، آسان کردن شمارش آراء و معلوم کردن روند انتخابات و موانع از تقلب و کاستی هایی نیز می باشد. مهمترین و اساسی ترین مسأله در کمیوتری کردن انتخابات، عدم اعتماد مردم به آن است. این عدم اعتماد از یک طرف به نا آگاهی مردم از پروسه الکترونیکی سازی انتخابات مربوط می شود، از سوی دیگر به تجهیزات و امکانات نرم افزاری و سخت افزاری ارتباط می گیرد که در این پروسه به کار گرفته می شود. اگر از نرم افزارها و سخت افزارهای مدرن در انتخابات استفاده نشود، امکان سو استفاده از برنامه های کمیوتری نیز موجود می باشد. مثلا ممکن است دستگاهها توسط هرکجا دست کاری شود یا هویت رای دهندگان فاش شود و یا ممکن است رای مردم به نام کاندید دیگر ثبت گردد.

علاوه بر موارد فوق یکی از مشکلات الکترونیکی سازی انتخابات، مدیریت شبکه الکترونیکی است. موفقیت این پروسه نیازمند تخصص و تعهد ملی است. باید که در سطوح مدیریتی شبکه فعالیت دارند. اگر این افراد از تخصص کافی برخوردار نباشند و یا تعهد ملی شان ضعیف باشند، به راحتی می توانند روند انتخابات را به سمت انحراف ببرند و اعتبار آن را خدشه دار سازند.

بنابراین تأکید بر اصل الکترونیکی شدن انتخابات، باید با فراهم آوری تجهیزات و فن آوری های مدرن و مورد اطمینان همراه باشد و اصل گزینش و آموزش نیروهای متعدد و بی طرف در مدیریت شبکه مورد توجه قرار گیرد.

یکی از اهداف الکترونیکی سازی انتخابات، ایجاد شفافیت، تشویق مردم به مشارکت در پروسه های ملی و دخالت دادن مستقیم آنها در تعیین سرنوشت شان است. اگر سیستم رای گیری الکترونیکی در شفافیت انتخابات کمک کند و به بالا بردن درصد مشارکت مردم در انتخابات بینجامد و سرعت پروسه را افزایش دهد، بدون شک شهروندان افغانستان از الکترونیکی سازی انتخابات و سایر برنامه های ملی استقبال خواهند کرد.

حقوق کودکان در افغانستان یکی از مسایل مهم و اساسی است که کمتر به آن توجه شده است. از نگاه قوانین ملی و بین المللی، انجام کارهای شاقه توسط کودکان ممنوع است. اما بخش های مختلف شهرهای کشور کودکانی را می بینیم که مشغول کارهای شاقه هستند و در صنایع قالین و کوره های خشت بزی کار می کنند.

همانگونه که در افغانستان نسل جوان و فارغین دانشگاه ها، روزگار مناسب ندارند و از فقر و بیکاری در رنج هستند، کودکان افغانستان نیز روزگار خوبی را سپری نمی کنند. در واقع در زندگی اکثر کودکان افغانستان چیزی بنام شادی، تفریح و درس و تعلیم وجود ندارد و آنها از دنیای زیبای کودکی فقط کار، دست فروشی و نان پیدا کردن را می دانند. اکثر کودکان کار کشور، کودکانی هستند که باید به مکتب بروند و آنجا خواندن و نوشتن و مهارت های زندگی را بیاموزند، اما کودکان کار افغانستان بیشتر از اینکه در مکتب باشند و آنجا با هم سن و سالان شان بازی کنند، درس بخوانند و خواندن و نوشتن را بیاموزند، در خیابان های شلوغ و پر گرد و غبار کابل دست فروشی می کنند، در فلزکاری ها شاگردی می کنند و در کنار جاده های پر رفت و آمد گدایی می کنند، تا چند قرص نان به سفزه ی خانواده اضافه کنند و به آنها کمک شده باشد.

این کودکان با دشواری های زندگی دست و پنجه نرم می کنند و دوران کودکی آنها کشته می شود. کودکان علاوه بر آموزش و تفریح، نیاز به محافظت دارند. اما کودکان کار افغانستان در خیابان ها مورد هرگونه آزار و اذیت قرار می گیرند و حتی دیده شده است که با خشونت فیزیکی مواجه می شوند. آنها بجای صدای مهربانی مادر دست مهر پدر، با خشونت های کلامی عابرین، صاحبان کار و مشتریان قرار می گیرند و اکثر اوقات وقتی کار فرمایان میخوانند آنها کاری را انجام دهند، بر سر آنها فریاد می زنند و با فحش و ناسزاگویی

کودکان کار و آینده ی نامعلوم

مهدی مدبر



از سوی دیگر موجودیت کودکان کار، نشانی از تفاوت طبقاتی در جامعه است. آنها راویان زندگی بخشی از جامعه هستند که فرصت ها و امکانات برابر برای آنها فراهم نشده است. کار کودکان سبب افزایش سود و انباشت سرمایه برای کسانی می شود که کودکان را مورد استثمار قرار می دهند و در نتیجه فاصله طبقاتی را در جامعه بیشتر می کند و فقر و تهیدستی را افزایش می دهد. کودکان را از دستگیری به دانش و مهارت کافی باز می دارد و در نتیجه بهره ی نیروی کار را در جامعه کاهش می دهد. آسیب های اجتماعی مانند اعتیاد، بزهکاری، استثمار، تبعیض، فقر و غیره افزایش می یابد و در نتیجه سلامت اجتماعی را به مخاطره می اندازد و مانع پیشرفت و توسعه جامعه می گردد. کودکان کار، امکان دارد مورد سوء استفاده ی باند های مافیایی و سودجو قرار گیرند

به آنها با استفاده از کودکان مقاصد شان را دنبال کنند؛ زیرا کودکان کار توانایی فکری و فیزیکی دفاع از خود را در مقابل این گروه ها ندارند و خواسته و یا فراموش شده است. کار کودکان سبب افزایش سود و انباشت سرمایه برای کسانی می شود که کودکان را مورد استثمار قرار می دهند و در نتیجه فاصله طبقاتی را در جامعه بیشتر می کند و فقر و تهیدستی را افزایش می دهد. کودکان را از دستگیری به دانش و مهارت کافی باز می دارد و در نتیجه بهره ی نیروی کار را در جامعه کاهش می دهد. آسیب های اجتماعی مانند اعتیاد، بزهکاری، استثمار، تبعیض، فقر و غیره افزایش می یابد و در نتیجه سلامت اجتماعی را به مخاطره می اندازد و مانع پیشرفت و توسعه جامعه می گردد. کودکان کار، امکان دارد مورد سوء استفاده ی باند های مافیایی و سودجو قرار گیرند

از سوی دیگر موجودیت کودکان کار، نشانی از تفاوت طبقاتی در جامعه است. آنها راویان زندگی بخشی از جامعه هستند که فرصت ها و امکانات برابر برای آنها فراهم نشده است. کار کودکان سبب افزایش سود و انباشت سرمایه برای کسانی می شود که کودکان را مورد استثمار قرار می دهند و در نتیجه فاصله طبقاتی را در جامعه بیشتر می کند و فقر و تهیدستی را افزایش می دهد. کودکان را از دستگیری به دانش و مهارت کافی باز می دارد و در نتیجه بهره ی نیروی کار را در جامعه کاهش می دهد. آسیب های اجتماعی مانند اعتیاد، بزهکاری، استثمار، تبعیض، فقر و غیره افزایش می یابد و در نتیجه سلامت اجتماعی را به مخاطره می اندازد و مانع پیشرفت و توسعه جامعه می گردد. کودکان کار، امکان دارد مورد سوء استفاده ی باند های مافیایی و سودجو قرار گیرند

شوند؛ سرمایه های خوبی برای آینده ی یک جامعه نیستند. کودکان کار به دلیل نداشتن فرصت های مناسب برای آموزش و تعلیم، نمی توانند مهارت های لازم و مناسب برای یک زندگی خوب را فراگیرند و در نتیجه نمی توانند در آینده با سایر افراد جامعه زندگی یکسان داشته باشند و همچنان از تفاوت طبقاتی رنج خواهند برد. این امر باعث می شود که آنها تبدیل به افراد مطرود و سرخورده شوند و بیشتر از اینکه به شغل ها و کارهای مفید و سودمند روی بیاورند، به کارهای غیرقانونی همانند قاچاق، سرقت و سایر کارهای غیر قانونی روی بیاورند.

علاوه بر این ها: کودکان کار امروز، پدران و مادران فراد هستند. وقتی که آنها در محیط های نامناسب رشد می کنند و با انواع مشکلات روحی و روانی زندگی را میگذرانند، در آینده نمی توانند فرزندان شان را نیز به خوبی تربیه کنند. فرزندان آنها نیز در یک محیط خانوادگی نامناسب رشد خواهند کرد و انواع بدبختی، رنج ها و آسیب های روحی و روانی را از خانواده خشن و ناآرام وارد جامعه خواهند شد و در نتیجه آسیب ها و نا هنجاری های اجتماعی افزایش خواهد یافت.

آینده برای کودکان کار مبهم و نامعلوم است. آنها همانگونه که امروز با دشواری های زندگی رنج می برند، فرزندان آنها نیز در یک محیط خانوادگی نامناسب رشد خواهند کرد و انواع بدبختی، رنج ها و آسیب های روحی و روانی را از خانواده خشن و ناآرام وارد جامعه خواهند شد و در نتیجه آسیب ها و نا هنجاری های اجتماعی افزایش خواهد یافت.

آینده برای کودکان کار مبهم و نامعلوم است. آنها همانگونه که امروز با دشواری های زندگی رنج می برند، فرزندان آنها نیز در یک محیط خانوادگی نامناسب رشد خواهند کرد و انواع بدبختی، رنج ها و آسیب های روحی و روانی را از خانواده خشن و ناآرام وارد جامعه خواهند شد و در نتیجه آسیب ها و نا هنجاری های اجتماعی افزایش خواهد یافت.

آینده برای کودکان کار مبهم و نامعلوم است. آنها همانگونه که امروز با دشواری های زندگی رنج می برند، فرزندان آنها نیز در یک محیط خانوادگی نامناسب رشد خواهند کرد و انواع بدبختی، رنج ها و آسیب های روحی و روانی را از خانواده خشن و ناآرام وارد جامعه خواهند شد و در نتیجه آسیب ها و نا هنجاری های اجتماعی افزایش خواهد یافت.

سیر تحول عکاسی در افغانستان

نوروز رجا قسمت دوم و پایانی



و چندین عکاس خانه دیگر کابل سبک و هندو بودند که از جمله ی قدیمی ترین عکاس خانه های کابل می باشند. از سال ۱۳۷۰ به بعد بسا روی کار آمدن حکومت مجاهدین و مشکل شدن زندگی برای هندو یاوران افغانستان، آنان از وطن مهاجر شدند و عکاس خانه های شان را به مسلمانان فروختند. اما عکاس خانه های سعادت، گل افغان، واصلی میوند، ناظم هروی، نجیب، ملی، توفیق و بابه شیر تا هنوز به صورت میراثی حفظ شده است. این عکاس خانه ها از پدر به فرزند و از فرزند به نواسه به میراث مانده اند. عکاس خانه نجیب که قبلا در کوه سستی بود، تغییر نام داده و به دو عکاس خانه دیگر بنام های سنگرش و سیاوش انکشاف یافته است. البته علاوه بر این عکاس خانه ها، عکاس خانه های دیگر هم بودند که نام آنها ثبت نشده است و هم اکنون به فراموشی سپرده شده اند.

یکی از عکاس خانه های قدیم شهر کابل که به صورت میراثی تاهنوز حفظ شده است، عکاسی سنگرش واقع در جاده میوند است. این عکاس خانه که نام های اولیه اش عکاسی مژده، اسدالله و نجیب بود، در سال ۱۳۲۵ توسط محمد امان عکاس تأسیس شده بود و هم اکنون توسط اسدالله آخرین فرزند و نوه های امان عکاس اداره می شود. محمد امان در زمان امان الله خان ماشین کار سینمای ارگ بود. او عکاسی را نزد صاحب داد و مامور محمد شاه آموزش دیده مقابل کامره بنشینند و عکس بگیرند.

عکاس خانه های کابل در آن دوره به دنبال ایجاد تنوع و نوآوری در کارهای عکاسی و استفاده از طرافت های هنری برای ایجاد جذابیت بیشتر در بازار کار شان بودند. مثلا با تقلید از فیلم های کابوی که در آن دوره تازه به افغانستان می آمد، جوانان لباس های کابویی که شامل کلاه های شیو، جمبر جیر شملک دار و یا جمبر چرمی، موزه چرمی، عینک و قمه دولبه (که در عکاس خانه ها موجود بود) می شد، می پوشیدند و عکس می گرفتند و یا دو نفر باهم دو چوره لباس را می پوشیدند و در داخل استودیو مقابل هم ایستاده می شدند و در حالت تعرض و دفاع، یک صحنه یی هیجانی را ثبت می کردند.

عکاس خانه های کابل در آن دوره به دنبال ایجاد تنوع و نوآوری در کارهای عکاسی و استفاده از طرافت های هنری برای ایجاد جذابیت بیشتر در بازار کار شان بودند. مثلا با تقلید از فیلم های کابوی که در آن دوره تازه به افغانستان می آمد، جوانان لباس های کابویی که شامل کلاه های شیو، جمبر جیر شملک دار و یا جمبر چرمی، موزه چرمی، عینک و قمه دولبه (که در عکاس خانه ها موجود بود) می شد، می پوشیدند و عکس می گرفتند و یا دو نفر باهم دو چوره لباس را می پوشیدند و در داخل استودیو مقابل هم ایستاده می شدند و در حالت تعرض و دفاع، یک صحنه یی هیجانی را ثبت می کردند.

عکاس خانه های کابل در آن دوره به دنبال ایجاد تنوع و نوآوری در کارهای عکاسی و استفاده از طرافت های هنری برای ایجاد جذابیت بیشتر در بازار کار شان بودند. مثلا با تقلید از فیلم های کابوی که در آن دوره تازه به افغانستان می آمد، جوانان لباس های کابویی که شامل کلاه های شیو، جمبر جیر شملک دار و یا جمبر چرمی، موزه چرمی، عینک و قمه دولبه (که در عکاس خانه ها موجود بود) می شد، می پوشیدند و عکس می گرفتند و یا دو نفر باهم دو چوره لباس را می پوشیدند و در داخل استودیو مقابل هم ایستاده می شدند و در حالت تعرض و دفاع، یک صحنه یی هیجانی را ثبت می کردند.

عکاسی با کامره فوری یا صندقچه ای دارد ظهور کامره های صندقچه ای چوبی است که در افغانستان به « کامره فوری » شهرت دارد. این کامره ها که باعث گسترش بی سابقه عکاسی در افغانستان شد، بسیار ارزان و ساده بود که روی سه پایه قرار می گرفت. لیتز آن در یک صندوق چوبی قرار داشت و می توانست بروی کاغذ، عکس های سیاه و سفید را در چند دقیقه چاپ کند. گفته می شود که برای اولین بار یک تاجر یهودی یکی از این کامره های صندقچه ای

کارتون روز



بدون شرح

رونامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان می باشد.

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وبسایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

بنیان گذار: داکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سر دبیر: حفیظ الله زکی
کار یکتا نویست: خالق علی زاده

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

The Daily Afghanistan Ma
Daily Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Newspaper